

ازدواج موفق و پایدار از دیدگاه اسلام - بخش اول

ازدواج مؤفق و پایدار از دیدگاه اسلام خبرگزاری رسا - ازدواج تنها نیاز جوانان نیست؛ بلکه به طور کلی نیاز اجتماع نیز محسوب می‌شود.



ازدواج مؤفق و پایدار از دیدگاه اسلام خبرگزاری رسا - ازدواج تنها نیاز جوانان نیست؛ بلکه به طور کلی نیاز اجتماع نیز محسوب می‌شود. اگر جامعه‌ای امنیت و سلامت خود را بخواهد، باید سنت ازدواج در آن برقرار شود؛ همان گونه که بر اساس نتایج تحقیقات، جامعه‌ای که در آن شمار افراد مجرد زیاد باشد، آن جامعه با مشکلات فرهنگی و اخلاقی بیشتری نیز روبرو می‌شود.

به گزارش سرویس اندیشه خبرگزاری رسا، ازدواج مبنای تشکیل خانواده، یعنی اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی و خواست و نیاز طبیعی انسان است که همه مکاتب به ویژه مکاتب آسمانی پیروان خود را به انجام آن تشویق و ترغیب می‌کنند. یا به عبارتی ازدواج یکی از اشکال وصلت‌های نکاحی بوده و وصلت‌های نکاحی یا زناشویی به هر وصلت ثابت، متشکل از دو جنس اشاره دارد. در ازدواج، زوج‌ها از طریق مراسم وصلت را قانونی می‌کنند، دائمی بودن وصلت قابل انتظار بوده و داشتن فرزند در چنین وصلت‌هایی دارای مشروعیت قانونی و اجتماعی است.

می‌توان گفت ازدواج، تاریخچه‌ای به قدمت پیدایش انسان‌ها در کره زمین دارد و در تمام مکاتب و ادیان مطرح است؛ اما هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای این موضوع اهمیت قابل نبوده است. اسلام اساس ترقی و رشد و تکامل در تمامی شؤون زندگی را در چگونگی تشکیل خانواده‌ها می‌داند و برای این مهم اهدافی در نظر گرفته است؛ قرآن مجید خلقت همسران و ایجاد رشته مودت و دوستی بین زن و مرد را از نشانه‌های شناخت خداوند شمرده و به برخی از فواید ازدواج مانند آرامش روحی و جسمی، ارضای غریزه جنسی، ایجاد دوستی و علاقه، بقای نسل و تکامل فرد، اشاره می‌کند: «از جمله نشانه‌های وجود خداوند این است که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفریده تا بدان‌ها آرام گیرید و میان شما و آن‌ها دوستی و مهربانی قرار داد. در این (دوستی و محبت) برای کسانی که تفکر می‌کنند، نشانه‌هایی وجود دارد.»

خانواده مهم‌ترین واحد اجتماعی هر جامعه است که با بستن پیمان زناشویی بین زن و مرد به وجود می‌آید. پیمان زناشویی، پیمانی مقدس و خدایی است که دل‌ها و قلب‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد. قرآن کریم از آن به عنوان میثاق محکمی یاد می‌کند که بین زن و مرد برقرار می‌شود «وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا».

اطلاق کلمه میثاق در قرآن کریم پیمانی است که خداوند بین خود از یک سو و زن و شوهر از سوی دیگر بسته است؛ بنابراین در اسلام پیمان ازدواج پیمان بسیار محکم و استواری است که زن و شوهر با خدای خود عهد می‌بندند تا همواره در کنار یکدیگر، وفادار باقی بمانند و کانونی گرم و عاطفی و سرشار از صفا و صمیمیت، یک‌رنگی و همدلی که در آن تجلیات انوار الهی همیشه درخشان و پرفروغ است، پدید آورند.

ازدواج یک امر جهانی است که در تمام جوامع و تقریباً در طول تاریخ وجود داشته است و به یک مجموعه نیازهای اساسی انسان پاسخ می‌دهد. بقای نسل و پرورش فرزندان، تحقق آرزوی دیرین کودکی برای پدر و مادر بودن، دستیابی به عالی‌ترین سطح دوستی و صمیمیت در دوران جوانی و بزرگسالی و تقسیم کار و همکاری و همراهی در طول زندگی در شمار اساسی‌ترین کارکردهای خانواده است.

دین مبین اسلام نیز بر اهمیت ازدواج تأکید فراوان کرده و ارضای غریزه جنسی را در حد نیاز واقعی نه تنها نفی نکرده، بلکه تشویق نیز کرده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ازدواج سنت من است و هرکسی از سنت من اعراض کند از من نیست.»

ازدواج فقط نیاز جوانان نیست، بلکه به طور کلی نیاز اجتماع نیز هست. اگر یک جامعه بخواهد امنیت و سلامت خود را حفظ کند، باید سنت ازدواج در آن برقرار شود تا هر فردی به آرامش برسد. تحقیقات نشان داده است که در جامعه‌ای که در آن افراد مجرد زیاد باشند، آن جامعه با مشکلات فرهنگی و اخلاقی بسیاری روبرو می‌شود.

پیشوایان دینی ما گفته‌اند که با ازدواج نیمی از دین انسان از شر شیطان حفظ می‌شود و انسان با بهره‌مندی از این امنیت می‌تواند به حفظ نیم دیگر خود بیندیشد. همچنین مسؤولیت‌پذیری، پرهیز از خودکامگی، آسایش روانی، گسترش روابط انسانی و به تبع آن تجربه اندوزی و ایجاد دوستی‌های ارزشمند از دیگر فضائل ازدواج به شمار می‌رود؛ حتی از بعد

ارزش‌شناسی جنسی نیز می‌توان گفت که ازدواج به عنوان یک امر مقدس و به عنوان یکی از اساسی‌ترین راهکارهای ارضای گزینه جنسی می‌تواند در رأس ارزش‌ها قرار گیرد؛ زیرا عفت، پاک‌دامنی، خویشتن‌داری، و به طور کلی سلامت جنسی جز در بستر ازدواج مناسب و صحیح امکان پذیر نیست.

تعریف ازدواج

ازدواج در عرف و شرع، پیمانی زناشویی است که بر اساس آن برای مرد و زن در برابر هم تعهدات اخلاقی و حقوقی پدید می‌آید که سرپیچی از بسیاری از آن‌ها، عقوبت و کیفر در پی خواهد داشت.

در هر آیینی ازدواج با قوانین و مقررات ویژه‌ای صورت می‌گیرد و اسلام به آداب و رسوم دیگر اقوام احترام گذاشته است. «لکل قوم نکاح» از پیمان زناشویی در قرآن به «نکاح» نیز تعبیر شده، کلمه‌ای که دو معنای آمیزش جنسی و عقد ازدواج به کار رفته است.

ازدواج قراردادی است رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی، تا طرفین ازدواج در سایه آن در خط مسیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر و بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد می‌گردد و در پرتو آن روابطی بس نزدیک بین آن دو پدید می‌آید. این قرارداد ارتباط و پیوند دو طرفه به وسیله الفاظ و عباراتی معین انجام می‌گیرد که آن را عقد یا پیمان ازدواج می‌نامیم.

به نظر لوی اشتروس، ازدواج برخوردی است دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت، یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی. بنابراین ازدواج، قاعده‌مند کردن روابط جنسی بین دو جنس است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، ازدواج یک قرارداد اجتماعی و ضامن بقای نسل انسانی است و آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و محیط آرامش بخش خانواده است. از دیدگاه روانشناسی، ازدواج یکی از بالاترین ترکیب‌های روانی را در بر می‌گیرد. از نظر پزشکی، بیشترین ضایعه‌های انسانی و بیماری‌ها متوجه افراد مجرد است و سهم ازدواج در کاهش این ضایعات حائز اهمیت است و از نظر علمای اخلاق نیز ازدواج می‌تواند از اشاعه فساد و فحشا و رفتارهای ناپسندی که می‌تواند پیامد مستقیم عنان گسیختگی غرایز جنسی باشد، جلوگیری کند.

ضرورت امر ازدواج در اسلام

ضرورت امر ازدواج در اسلام از دو جنبه آیات و روایات قابل بررسی است:

1- ازدواج در آیات: این سؤال همواره مطرح بوده که چرا خداوند انسان‌ها و یا حیوانات و حتی گیاهان را زوج آفرید؟ فلسفه زوجیت انسان‌ها، گیاهان و حیوانات چیست؟ در پاسخ به این سؤال به اجمال می‌توان گفت که فلسفه زوجیت در انسان‌ها به ازدواج بازمی‌گردد. اما پس از آن، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا ازدواج فقط برای تأمین گزینه جنسی است؟ آیا برای شروع مسائل اجتماعی است؟ آیا برای ایجاد انس میان دو زوج مخالف با هم است؟ در پاسخ باید گفت که خیر، هدف از ازدواج این مسائل نیست. فلسفه ازدواج چیز دیگری است و آن امتداد نسل، بقای آن و اتمام ترکیبات عاطفی زن و مرد به دلیل تولید مثل است. در برخی از آیات به این مطلب اشاره شده است؛ خداوند در سوره نساء، آیه هفت می‌فرماید: «یا ایهاالناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجلا و نساء کثیرا و اتقوا الله الذی تسألون به و الارجام ان الله کان علیکم رقیبا؛ ای مردم، بترسید از پروردگار خود که شما را از یک تن آفرید و از او جفتش را بیافرید و از آنان مردان و زنان بسیاری گسترانید و بترسید از خداوندی که از او و از ارحام پرشش می‌شود، خداوند بر شما نگاهبان است.»

در آیه 11 سوره شوری نیز می‌فرماید: «فاطر السموات و الارض جعل لکم من انفسکم ازواجا و من الانعام ازواجا یذروکم فیه لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر؛ او پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است. برای شما از جفت خودتان همسرانی قرار داد و از جنس حیوانات نیز جفت‌هایی آفرید تا بر شما بیفزاید و نسل تکثیر پیدا کند. همانند او چیزی نیست. او شنوای بیناست.»

2- ازدواج در روایات: اسلام در این زمینه دو دسته را مخاطب قرار داده و ازدواج را به آن‌ها توصیه می‌کند؛

الف) کسانی را که به قصد ارضای غریزه شهوت و محافظت از آلودگی ازدواج کرده ولی از پیدایش نسل جلوگیری می‌کنند.

ب) کسانی را که علاوه بر ارضای غریزه شهوانی، قصد تشکیل خانواده نیز دارند و در نتیجه خواهان نسل هستند. اما به طور کلی دسته دوم بیش‌تر مورد خطاب اند؛ زیرا خانواده بدون فرزند در همان وصلت و گوشه حجله، بدون استمرار و دنباله خلاصه می‌شود.

نظر به وجود منافع و اهمیت‌های ازدواج است که اسلام آن را تأیید کرده و ضرورت آن را در درجه اول اهمیت و مورد تأکید قرار داده است. ضرورت‌های ازدواج از نظر اسلام به قرار ذیل است:

1- محبوب‌ترین بنا: بنای تشکیل خانواده در اسلام محبوب است، تا آن جا که هیچ سازمان و بنایی نزد خدا محبوب‌تر از آن نیست. لذا پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله من التزویج؛ نزد خداوند هیچ بنایی محبوب‌تر از خانه ای نیست که از طریق ازدواج آباد گردد.»

2- عامل حفظ پاک‌دامنی و کسب اخلاق نیک: ازدواج از نظر اسلام وسیله‌ای برای پاک‌دامنی و پاک دامن زیستن است. رسول خدا(ص) به زید بن حارثه فرمودند: ازدواج کن تا پاک دامن باشی و در سخنی دیگر، فرمودند: مردان را زن دهید تا خدا اخلاقشان را نیکو، ارزاقشان را وسیع و جوانمردیشان را زیاد گرداند. همچنین در روایتی دیگر به زنی که گفته بود، دیگر ازدواج نخواهم کرد، فرمودند: «ازدواج برای حفظ عفاف لازم است.»

3- عامل تکمیل دین: ازدواج غیر از ایجاد نظم در زندگی، وسیله‌ای برای حفظ و تکمیل دین است. بدان دلیل ازدواج تکمیل کننده ایمان است که به وسیله آن بسیاری از گناهان از وجود آدمی ریشه‌کن شده و راه برای سعادت‌مندی او از هر سو فراهم می‌شود. لذا رسول اکرم(ص) فرمودند: «من تزوج فقد احرز نصف دینه؛ هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را باز یافته است.» در جای دیگر، فرمودند: «ما من شاب تزوج فی حداثة سنه الا عجز شیطانة یا ویله عصم منی ثلثی دینه؛ هر کس در ابتدای جوانی ازدواج کند شیطان فریاد می‌کند: ای وای، دو سوم دین خود را از شر من حفظ کرد.»

4- موجب ازدیاد نسل: پیامبر(ص) فرمودند: «تزوجوا فانی مکارم بکم الامم غدا فی القيامة؛ ازدواج کنید زیرا من به زیادتی شما نسبت به امت‌های دیگر در قیامت مباحثات می‌کنم.» البته این که تا چند سال پیش در کشور ما با توجه به احکام ثانویه، به مهار جمعیت حکم می‌شد مطلب دیگری است که در این مختصر مجالی برای طرح آن نیست.

5- موجب ازدیاد مسلمانان: پیامبر(ص) فرمودند: «ما یمنع المؤمن ان یتخذ اهلا لعل الله یرزقه نسمة تثقل الارض بلا اله الا الله؛ چه مانعی دارد که مؤمن زنی بگیرد تا خداوند فرزندی نصیبش کند که با کلمه لا اله الا الله زمین را گرانبار کند؟»

6- موجب ازدیاد روزی: پیامبر(ص) فرمودند: «اتخذوا الاهل فانه ارزق لکم؛ روزی را به وسیله زن گرفتن زیاد کنید.» در حدیث دیگری، امام رضا(ع) می‌فرماید: «اذا جاءکم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه؛ اگر خواستگاری آمد که دین و اخلاقش را پسندیدید او را اجابت کنید.» در روایتی پیامبر(ص) فرمودند: «من ترک التزویج مخافة العیلة فقد ساء ظنه بالله عزوجل ان الله یقول: ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله؛ هر کس ازدواج را از ترس فقر و تنگدستی ترک کند به خدا سوءظن برده است زیرا خداوند می‌فرماید: اگر زن و شوهر فقیر باشند خدا هر کدام را از کرم خود بی‌نیاز می‌کند.» بنابراین در هر صورت، روزی زن و مرد با خداست.

7- نشانه پیروی از سنت پیامبر اکرم(ص): حضرت علی(ع) فرمودند: «تزوجوا فان التزویج سنة رسول الله فانه کان یقول: من کان یحب ان یتبع بسنتی فان من سنتی التزویج؛ ازدواج کنید، ازدواج سنت پیامبر(ص) است. آن جناب می‌فرمودند: هر که می‌خواهد از سنت من پیروی کند بداند که ازدواج سنت من است.»

8- نشانه پیروی از سنت پیامبران(ع): امام رضا(ع) فرمودند: «ثلاث من سنن المرسلین: العطر و اخذ الشعر و كثرة الطروقة؛ سه چیز از سنت‌های پیامبران است: استعمال عطر، ازاله موهای زائد و ازدواج کردن.»

9- موجب جلب رضایت الهی: پیامبر(ص) فرمودند: «ما من شیء احب الی الله عزوجل من بیت یعمر فی الاسلام بالنکاح؛ هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از این نیست که خانه‌ای در اسلام به وسیله ازدواج آباد گردد.»

10- موجب کسب طهارت معنوی: پیامبر(ص) فرمودند: «من احب ان یلقى الله طاهرا مطهرا فلیقله بزوجة؛ هر کس می‌خواهد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند باید هنگام مرگ متاهل باشد.»

11- بهترین بهره و سود: امام رضا(ع) فرمودند: «ما استفاد امرء بعد الاسلام فائدة خيرا من امرأة مسلمة...؛ پس از ایمان به خدا، هیچ انسانی بهره ای بهتر از همسری مسلمان به دست نیاورده است.»

12- گشودن درهای رحمت الهی: پیامبر(ص) فرمودند: «یفتح ابواب السماء بالرحمة فی اربع مواضع: عند نزول المطر و عند نظر الولد فی وجه الوالد و عند فتح باب الکعبة و عند النکاح؛ درهای رحمت آسمان در چهار موقع گشوده می شود: هنگام باریدن باران، وقتی که فرزندی از سر مهر به صورت پدرش بنگرد، زمانی که در خانه کعبه گشوده می گردد و در وقت اجرای عقد نکاح.»

ازدواج در اسلام

الف- فلسفه ازدواج در اسلام

از دیدگاه اسلام ماهیت ازدواج یک قرارداد و پیمان با شرایطی ویژه است. این پیمان و قرارداد افزون بر این که از استحکام خاص برخوردار است، «میثاقاً غلیظاً»، دارای ارزش و منزلت الهی و خدایی ویژه بوده و در سطح دیگر قراردادهای اجتماعی قرار نمی گیرد تا صرفاً از قواعد عمومی آن قراردادهای پیروی کند.

شاید بتوان گفت ازدواج قوی ترین پیمان و مقدس ترین قرارداد است که آدمی با اعتماد به آن، والدین و خواهر و برادر خود را رها کرده و راضی می شود با فردی که شناخت زیادی از وی ندارد، هم پیمان شود و همه دارایی خود را با او به مشارکت گذارد. گویا به همین جهت است که در روایات از این قرارداد به «قلاده» تعبیر شده و هشدار داده شده است که متوجه باشید عنان اختیار خود را به دست چه کسی می دهید و چه کسی را کنار خود قرار می دهید و شریک مال و دین و اسرار خویش می سازید.

اینک باید دید که اسلام این پیمان وثیق را به چه قصدی پی می ریزد و بر آن اهتمام می ورزد؟ لیکن قبل از بیان علل و فلسفه ازدواج، ذکر یک نکته ضروری است و آن تفاوت «فلسفه و چرایی» با «هدف یا اهداف» است که این دو چه سان در این بحث از یکدیگر منفک شده اند؟ مقصود از هدف، وضعیت مطلوبی است که به طور آگاهانه سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن تلاش می شود؛ ولی در «علت یا فلسفه» نسبت به انتخاب آگاهانه، تلاش هدفمند و تأثیر اراده انسانی در تحقق آن هیچ وجهی ندارد؛ یعنی علت وقوع یک پدیده می تواند عاملی غیر انسانی باشد، ولی اهداف همیشه با اراده نیرویی انسانی و هدفدار محقق می شود. در این نوشتار نیز اهداف ازدواج با تلاش انسان هایی که ازدواج کرده اند فراهم می شود و باید این چنین باشد؛ در حالی که وقتی از علل تشریح ازدواج سخن گفته می شود، توجهی به اراده انسانی در تأمین آن ها نمی شود؛ به عنوان مثال چه بخواهیم و چه نخواهیم فلسفه ازدواج، پاسخ به ندای فطرت و تأمین آرامش است.

تشریح ازدواج و ترغیب به آن در اسلام، از یک علت و فلسفه اساسی و از چندین چرایی فرعی و غیر اساسی برخوردار است. بر این اساس می توان این علل را به دو دسته اساسی و فرعی تقسیم کرد:

الف - علت اساسی تشریح ازدواج

علت اساسی تشریح ازدواج، پاسخ به ندای فطرت و نیازهای روحی، روانی، جسمی طبیعی انسان است. تمام قوانین و مقررات اسلام، از زیرساخت های فطری و طبیعی به ودیعه نهاده شده در نهاد انسان سرچشمه می گیرند. این قوانین و مقررات به شکلی بر آورنده نیازهای فطری و طبیعی انسان هستند و در پرتو این قوانین سلامت و رشد آدمی تضمین می شود.

فلسفه اساسی و بنیانی ازدواج همانند تمام احکام و مقررات آن، پاسخ به ندای فطرت خداجوی انسان است. ازدواج از این روی در اسلام تشریح و مورد ترغیب قرار گرفته که می تواند به نیازهای فطری آدمی پاسخ شایسته داده و سلامت و تعالی وی را زمینه سازی کند؛ لذا افرادی که از ازدواج روی می گردانند، در واقع به طور ناخودآگاه با فطرت و طبیعت خود به جنگ برخاسته اند. در نتیجه چون بر خلاف فطرت و نیاز طبیعی حرکت می کنند، با دشواری و مشکلات فراوان مواجه می شوند و از مسیر اعتدال و جاده تکامل و رشد خارج می شوند.

ب - علل فرعی تشریح ازدواج

- تأمین آرامش روح و روان و سکون دل و جان

از جمله علل ازدواج در دیدگاه اسلام، تأمین آرامش روح و روان و سکون دل و جان است. «من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و...؛ از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان برای شما همسرانی را آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش بیابید.» این آرامش از این‌جا ناشی می‌شود که این دو جنس مکمل یکدیگر و مایه شکوفایی و نشاط و پرورش یکدیگر هستند.

- حفظ نوع بشر

از دیگر علل تشریح ازدواج در اسلام همانا حفظ نوع بشر در قالب توالد و تناسل سالم و مشروع است. این علت تا به آن حد مورد نظر اسلام است که روایات نقل شده از اولیای دین، فرزندآور بودن را از صفات شایسته زنان برای ازدواج می‌شمارد و فرزند داشتن را مایه برکت می‌داند.

حفظ دین

ازدواج نوعی تأثیر در تأمین مصونیت از انحراف‌ها، کژی‌ها و لغزش‌ها دارد و همین حالت موجب فراهم شدن جایگاهی متفاوت با قبل برای شخص مزدوج می‌شود و نوعی فضیلت، برتری و دوری‌گزیدن از تخلفات را به همراه داشته و تقید فرد را به فضایل، آداب دینی و معنوی بیشتر می‌سازد. گویا از همین روی اولیای دین می‌فرمایند: کسی که ازدواج کند، نیمی از دین خود را حفظ نموده است. یا در سخنی نورانی و نغز، پیامبر رحمت(ص) می‌فرمایند: «مردان مجرد را زن دهید تا خدا اخلاقشان را نیک و ارزاقشان را وسیع و جوانمردیشان را زیاد کند.»

رشد شخصیت و احساس مسؤولیت اجتماعی

مسؤولیت‌پذیری و بیرون آمدن از حصار خودبینی و طبیعت فردی و متعهد شدن در برابر دیگران و به دنبال آن فراهم شدن زمینه رشد اجتماعی، از دیگر علل و فلسفه‌های تشریح ازدواج است. این تأثیر را در هیچ عمل و رفتار فردی و اجتماعی دیگر نمی‌توان سراغ گرفت. انسان تنها در پرتو ازدواج می‌تواند به شخصیت اجتماعی خود دست یابد و پختگی شخصیت پیدا کند. ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. اگر راهی غیر از این برای رسیدن به این مطلوب وجود داشت، به طور یقین اسلام آن را معرفی می‌کرد و این پختگی جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود.

ب- اهمیت و جایگاه ازدواج در اسلام

محبوبیت ازدواج نزد خداوند

ازدواج از منظر اسلام بسیار پسندیده و مطلوب است و از منظر فقه اسلامی، عملی مستحب و چه بسا مستحب مؤکد و در برخی موارد واجب شمرده می‌شود و مانند هر عمل مستحب بر انجام آن ثواب و پاداش دنیوی و اخروی مترتب می‌شود؛ چرا که مورد طلب و درخواست الهی واقع شده است: «وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله و الله واسع علیم»، هر عملی که مورد درخواست اولیای دین واقع شود نشان از فضیلت و رجحان آن عمل در دیدگاه اولیای دین دارد و از مطلوبیت ذاتی آن عمل حکایت می‌کند؛ لذا در منظر اسلام ازدواج عملی مطلوب درگاه الهی و مستحب مؤکد شمرده می‌شود و انجام دهنده آن مستحق ثواب و پاداش الهی است.

در حالی که برای بیان اهمیت ازدواج، مطلوبیت ذاتی و الزام استحبابی آن در اسلام کفایت می‌نماید، اما قداست ویژه آن در بارگاه الهی خود شاهد دیگری بر این اهمیت و جایگاه خاص است. به بیانی دیگر افزون بر الزام الهی در ازدواج که خود به صورت غیرمستقیم از اهمیت ازدواج حکایت می‌کند، در برابر برخی مکاتب و مذاهب که با نگاهی حیوانی، دنیوی و فروافتاده به ازدواج می‌نگرند و فضیلت انسانی را در ترک ازدواج می‌جویند، اسلام برای ازدواج جایگاهی قدسی قائل است. اسلام ازدواج را از مجموعه رفتارهای برخاسته از شهوت و تمایلات حیوانی خارج نموده و در پایگاه قدسی خاص، آن را معرکه فضیلت جویی معرفی می‌نماید و به انسان‌ها توصیه می‌کند که فضائل را در این وادی جستجو کنند؛ لذا ازدواج را موجب آبادانی خانه‌ها می‌داند و می‌فرماید: «ما من شيء احب الى الله من بيت يعمر بالنكاح؛ هیچ چیزی نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای که با ازدواج آباد می‌شود، نیست.»

افزون بر روش‌های فوق، اسلام در مقام بیان اهمیت ازدواج، از دریچه‌های مختلف به آن نگاه می‌کند و بر اساس نقشی که برای ازدواج قائل است، اهمیت و جایگاه آن را گوشزد می‌نماید. بنابراین بر پایه نقش‌هایی که اسلام برای ازدواج در نظر گرفته است، اهمیت ازدواج مشخص می‌شود.

ازدواج، فضیلت بخش عبادت‌ها و اعمال

در اسلام افزون بر این که ازدواج خود عملی ارزشمند و مورد پسند خداوند تلقی می‌شود، بلکه موجب ارزشمندی دیگر اعمال و به خصوص عبادات افراد نیز خواهد بود؛ یعنی ازدواج سبب می‌شود عبادت فرد متأهل از فضیلت برتری نسبت به فرد مجرد برخوردار باشد. این برتری گاه بدان مرتبه می‌رسد که هفتاد رکعت نماز انسان مجرد نمی‌تواند با دو رکعت نماز انسان متأهل برابری کند؛ «رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعة یصلیهما اعزب» و حتی اگر فرد مجرد تمام شب‌ها به نماز و روزها را به روزه مشغول باشد، باز هم نمی‌تواند در فضیلت با دو رکعت نماز شخص متأهل هم‌ترازی کند؛ «الرکعتان یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم ليله، و یصوم نهاره...»، در برخی تعابیر شخص متأهلی که خوابیده است فقط به عنوان این که متأهل است بر انسان مجردی که روزه‌دار و نمازگزار است، برتری دارد، «المتزوج النائم افضل من الصائم القائم العزب.»

ازدواج، مایه برکت و موجب خیر

از جمله تعابیر رسا و نغز اسلام در بیان اهمیت ازدواج همانا بیان ثمرات و فواید مادی و معنوی مترتب بر آن است. با این روش هم جایگاه ازدواج را نزد خداوند بیان می‌کند و هم انسان‌ها را به انجام آن ترغیب می‌نماید. بر همین اساس در مکتب اسلام ازدواج مایه فزونی رزق و روزی و سبب زیادی ثروت معرفی شده و موجب به تاخیر افتادن مرگ و بلندی عمر دانسته شده است و به هنگام ازدواج ابواب آسمان گشوده و رحمت الهی به زمین فرو می‌ریزد.

ازدواج، سیره عملی انبیا و اولیای دین

همان‌گونه که در بین انسان‌ها مرسوم است، از جمله راه‌های نشان دادن اهمیت یک عمل و ترغیب مردم به انجام آن به عنوان یک الگوی اجتماعی، انجام آن عمل توسط انسان‌های برجسته و شاخص آن جامعه همانند معلمان، مربیان، متولیان و حاکمان است.

در این‌جا هم اسلام برای بیان جایگاه ازدواج و ترغیب مردم به آن اعلام می‌کند که ازدواج سیره و روش اولیا و انبیا است. اگر شما می‌خواهید در زمره ائمه هدی و حضرات معصومین(ع) باشید، پس همانند آن‌ها عمل کنید و به آن‌ها تاسی نمایید. از این رو در دین اسلام پیامبر این آیین حنیف، به مسلمانان گوشزد می‌نماید که اگر دوست دارید پیرو سنت و مرام من باشید، ازدواج کنید و توجه داشته باشید که اگر از ازدواج روی گردانید، نمی‌توانید از پیروان آیین من باشید؛ «فان التزویج سنة رسول الله (ص) فانه کان یقول من کان یحب ان یتبع سنتی فان من سنتی التزویج» و در کلامی دیگر با صراحت بیشتر ازدواج را سنت

خویش قرار داده و ترک آن را خروج از دایره سنت نبوی بیان فرموده‌اند؛ «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی.» در برخی تعبیر این اهتمام آن قدر شدت پیدا می‌کند که پیامبر خدا ((ص)) می‌فرماید: «هر که می‌خواهد بر فطرت من (دین فطری) باشد، باید طبق سنت من رفتار کند، یکی از سنت‌های من ازدواج است»، گویا ازدواج نکردن، برابر با خروج از فطرت و دین رسول خاتم(ص) است.

ادامه دارد...

تألیف و گردآوری: مریم نوری - صادق اصغری لقمجانی